

فصلنامه علمی- پژوهشی **رهافت**

سال دوازدهم، شماره ۴۲، بهار ۱۳۹۷
صفحه ۴۳ تا ۶۰

رویکردهای موجود پیرامون آینده تعامل جمهوری اسلامی ایران با اخوان المسلمین و راهبرد آینده

مصطفی قاسمی / دانشجوی دکترای روابط بین الملل، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان
m.ghasemi59@yahoo.com

محمد علی بصیری / دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان (نویسنده
مسئول) basiri@ase.ui.ac.ir

عنایت الله یزدانی / دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان
eyazden@ase.ui.ac.ir

چکیده

بعد از تحولات عربی ۲۰۱۱ و به قدرت رسیدن اخوان المسلمین در مصر، این جنبش مواضع متضادی در قبال ج.ا.ایران و سیاستهای منطقه‌ای آن اتخاذ نمود. این مساله باعث شد تا بین برخی از مجامع سیاسی و آکادمیک ایران، رویکردهای متفاوتی در خصوص استمرار و یا تجدید نظر در تعاملات آینده با اخوان المسلمین شکل بگیرد. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی، در پی پاسخ به این سوال است که چه رویکردهایی در خصوص آینده تعاملات جمهوری اسلامی با اخوان المسلمین وجود دارد و راهبرد آینده چیست؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد سه رویکرد اصلی را در این خصوص می‌توان شناسایی کرد: ۱. رویکرد آرمانگرایان ۲. رویکرد ملی‌گرای منفعتمحور ۳. رویکرد تلفیق منافع ملی با مصالح اسلامی. مقاله حاضر با توجه به رویکرد سوم به عنوان رویکردی منطبق با شرایط موجود، راهبرد "امتناع دولت، استمرار نهضت" را به عنوان راهبرد آینده تعامل با اخوان المسلمین پیشنهاد می‌کند.

کلید واژه: جمهوری اسلامی ایران، اخوان المسلمین، رویکردها، راهبرد، تحولات عربی ۲۰۱۱.

تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۱۲/۱۳ تاریخ تأیید ۱۳۹۷/۰۱/۲۶
این مقاله برگرفته از رساله دکترای آقای قاسمی می‌باشد.

مقدمه

یکی از الزامات قانون اساسی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی حمایت از جنبش‌های آزادیبخش و اسلامگرا در جهان می‌باشد. با توجه اقلیت بودن تشیع نسبت به اهل تسنن در جهان اسلام، جمهوری اسلامی برای پیشبرد اهداف و آرمان‌های خود، نیاز به اتحاد با سایر مسلمانان و تقویت قطب جهان اسلام در مقابل جهان غرب می‌باشد. بدیهی است که در این راستا حمایت از جنبش‌های اسلامگرا در جهان اهل سنت برای برپایی نظام سیاسی در اولویت قرار دارد. جمهوری اسلامی بر همین اساس طی دهه‌های گذشته از اخوان المسلمین به عنوان مهم‌ترین و منسجم‌ترین جنبش جهان اهل سنت و نزدیکترین آنها به اندیشه‌های انقلاب اسلامی، برای به دست گرفتن قدرت و تشکیل نظام سیاسی، حمایت‌های معنوی و سیاسی داشته است. با وجود این حمایتها و روابط خوب گذشته بین جنبش اخوان و جمهوری اسلامی، وقتی اخوان المسلمین در پی تحولات عربی ۲۰۱۱ توانست قدرت را در مصر به دست گیرد، نه تنها به ایران نزدیک نشد بلکه در مقابل سیاستهای منطقه‌ای جمهوری اسلامی نیز قرار گرفت و در قالب رقیب منطقه‌ای ظاهر شد. در نوع کنش عملی از منظر دولت، اخوان با اتخاذ مواضع متناقض و بعضاً ضد ایرانی سعی در گسست عملی از نسخه اسلام شیعی و نزدیکی به سایر بازیگران خصوصاً عربستان، تکفیری‌ها و سلفی‌ها در منطقه و آمریکا در سطح جهانی را داشت (پرنروش، ۱۳۹۶: ۴۷).

نشانه‌های این سیاست رابطه با غرب و گسترش مناسبات با کشورهای حاشیه خلیج فارس، مسلمان سنی را می‌توان از پایبندی به پیمان کمپ دیوید و هماهنگی راهبردی با آمریکایی‌ها و انتخاب ریاض به عنوان نخستین مقصد سفر خارجی خود دید، که مثلی راهبردی را در کنار سایر عوامل و عناصر دخیل در راهبرد سیاست اخوانی شکل می‌داد که عملاً بر رابطه با ایران سایه می‌افکند. این تحولات باعث شد تا رویکردهای مختلفی در خصوص آینده تعامل راهبردی با اخوان المسلمین شکل بگیرد. بر همین اساس اهمیت این مقاله در شناسایی و تجمیع رویکردهای شکل گرفته در خصوص آینده تعاملات جمهوری اسلامی با اخوان المسلمین با هدف ارائه راهبرد آینده تعامل با اخوان المسلمین می‌باشد.

در ارتباط با روابط جمهوری اسلامی ایران و اخوان المسلمین کتاب‌ها و مقالات زیادی به زبان‌های فارسی، عربی و لاتین نگاشته شده است. اما آنچه تاکنون کمتر به آن پرداخته شده است، بررسی رویکردهای موجود در جمهوری اسلامی در خصوص تعاملات آینده جمهوری اسلامی با اخوان المسلمین است که در پی تحولات عربی ۲۰۱۱ پیش آمد و

باعث شکل گیری و قوت رویکردهای مختلف در این خصوص شد. بنابراین در مقاله حاضر تلاش خواهد شد ضمن تبیین مهم ترین رویکردهای موجود و استدلال های هر کدام در خصوص آینده تعامل با اخوان المسلمین، راهبرد آینده جمهوری اسلامی ایران در این خصوص، ارائه شود.

۱- چارچوب مفهومی: «تلفیق منافع ملی و مصالح اسلامی»

عناصر محسوس تشکیل دهنده قدرت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، با کمی شدت و ضعف تقریباً همان عناصر گذشته است اما عناصر نامحسوس قدرت، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، عمیقاً دستخوش تحول و دگرگونی شدند (فرزین نیا، ۱۳۷۴: ۱۰۹) و ایدئولوژی جایگاه بسیار مهمی در آن پیدا کرد. تاثیر این مساله باعث شد تا پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در مورد سیاست خارجی دولت اسلامی، بحث های مختلفی صورت گرفته و دیدگاه های گوناگونی مطرح گردد. در این زمینه دو دیدگاه کلان، با توجه به اولویت های ذهنی گرایش های مختلف سیاسی مطرح شد که دیدگاه های خرد دیگری را به همراه داشت. این دو دیدگاه کلان، از دو طرز فکر سیاسی - اجتماعی متفاوت برمی خاست؛ ملت گرایان و اسلام گرایان انقلابی (رمضانی، ۱۳۸۱: ۴۷). همان گونه که از این تقسیم بندی معلوم است، ملت گرایان به اولویت منافع ملی در سیاست خارجی ایران اعتقاد داشتند و اسلام گرایان انقلابی نظریه مسئولیت های فراملی دولت اسلامی را مطرح می کردند (نخعی، ۱۳۷۶: ۲۸۹).

آنچه مشخص است اینکه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را نمی توان صرفاً در چارچوب یکی از دو دیدگاه کلان تبیین کرد. لذا ضمن توجه به مباحث رایج و جاری مبتنی بر نظام ملت-کشور، باید ویژگیهای مربوط به دولت اسلامی را نیز در آن لحاظ کرد. در اقع ساختمان و بنای سیاست خارجی جمهوری اسلامی، تنها بر پایه منافع ملی استوار نشده است، بلکه مصالح اسلامی نیز پایه دیگر این ساختمان است. به نحوی که حتی اگر همه عناصر و شخصیتها و جریانات حاکم بر نظام اسلامی ایران به هیچ وجه تعلقات ملی نداشته باشند و یکپارچه درصدد برآیند که فقط آرمان های انقلاب اسلامی را بدون توجه به سرزمین انقلاب تامین کنند، باز هم مجبورند که به عنوان پذیرفتن واقعیاتی سرسخت، بعد ملی و نتیجتاً مصالح خاص کشور ایران را نیز در سیاست خارجی لحاظ کنند. همچنانکه از طرف دیگر حتی اگر همه مقامات، عناصر و شخصیتها و جریانات حاکم بر این نظام، بخواهند که قید اسلام و توجه به آرمان های اسلامی را در سیاست خارجی در نظر نگیرند،

باز هم قادر نخواهند بود، مگر آنکه قبل از آن یک استتعاله کامل از نظام کنونی به دولت ملی خاص صورت گرفته باشد. از همین روست که هر گونه پرداختن به مقولات ملی اضطراری نیز، بایستی توجیهی اسلامی همراه داشته باشد (نخعی، ۱۳۷۶: ۲۹۱).

در این میان چارچوب خاصی که آرمان‌ها را با واقعیات جمع و ترکیب کند، لازم و بسیار ضروری است. این الزامات و ضرورتها می‌تواند به صورت چارچوب مفهومی «تلفیق منافع ملی و مصالح اسلامی» عنوان شود. تلفیق و تجمیع این دو به معنی عدم تقدم و افزایش وزن یکی در یک برهه بر دیگری نیست بلکه در این میان مقدم شمردن یکی چه بسا در خدمت و در جهت اهداف پیچیده و درازمدتی باشد که منفعت بالاتری را نصیب دیگری می‌کند. لذا در صورت تراحم (نه تضاد) این دو، مصالح دولت اسلامی ارجح بر مصالح اسلامی می‌باشد.

۲- رویکردهای موجود پیرامون آینده تعامل راهبردی جمهوری اسلامی ایران با اخوان المسلمین

مسائل پیش آمده در روابط اخوان المسلمین با جمهوری اسلامی ایران، باعث شکل گیری رویکردهای مختلفی در میان مراکز مطالعاتی و مجامع سیاسی داخلی در خصوص استمرار و یا تجدید نظر در راهبرد آینده جمهوری اسلامی در تعاملات با اخوان المسلمین به عنوان مهم‌ترین جنبش اسلامگرا در جهان اهل سنت شده است. بنابراین در ادامه به بررسی این رویکردها، که در سه رویکرد اصلی قابل جمع بندی است، پرداخته می‌شود:

۱-۲. رویکرد اول: آرمانگرایان (استمرار حمایت از اخوان المسلمین به منظور تشکیل نظام سیاسی)

این رویکرد با استناد به الزامات اصول سیاست خارجی و اندیشه‌های رهبران انقلاب اسلامی، بر این باور است که حمایت از جنبش‌های اسلامگرا در جهان اسلام همچنان باید یکی از اصلی‌ترین ابعاد سیاست خارجی و نهضتی جمهوری اسلامی باشد و برخی از رفتارهای اخوان المسلمین در حاکمیت با جمهوری اسلامی، مقطعی و یا تاکتیکی بوده و نباید کلیت جنبش اخوان المسلمین را با آن سنجید. حامیان این رویکرد علاوه بر تاکید بر نقش سلفی‌ها، ارتش و نیروهای امنیتی و تاثیر آن بر تیرگی روابط دوجانبه، بر جبر شرایط اقتصادی و سیاسی مصر نیز تاکید دارند. اخوان به دنبال کسب کمک‌های مالی و سیاسی سعودی‌ها و رضایت آمریکا به منظور تحکیم قدرت خود بودند. هدف اصلی مرسی از

تعیین عربستان به عنوان اولین کشور برای سفر خارجی خود، نیاز شدید اقتصادی مصر به جلب کمک‌های ۴ میلیارد دلاری عربستان در آن مقطع و جلب حمایت آن کشور از اخوان به منظور کنترل رفتار ریاض در قبال اخوان بود (Hope, 2012). اخوانی‌ها در کوتاه مدت تنها در پی حفظ وضع موجود برای اطمینان دادن به غرب و جلب حمایت‌های آنها برای عبور از شرایط بحرانی مصر بودند، به همین دلیل از هر گونه تغییری در زمینه قراردادهای دوجانبه با تل‌آویو مانند کمپ دیوید یا اقداماتی که برای امنیت صهیونیست‌ها مخاطره‌آمیز باشد مانند بازگشایی یکجانبه گذرگاه رفح نیز خودداری کردند. بنابراین اگر اخوانی‌ها آزادانه و بدون فشارهای بیرونی با جمهوری اسلامی ارتباط بگیرند و تصمیم‌گیری کنند، شکی نیست که بهترین گزینه برای آنها ارتباط با جمهوری اسلامی و ورود به جبهه مقاومت تحت رهبری ایران است. بنابراین با توجه به اینکه اخوان فرصت تثبیت خود را در مصر پیدا نکرد، بر اساس حکومت یکساله اخوان نمی‌توان ارزیابی دقیقی از چرایی تقابل آن با جمهوری اسلامی داشت. لذا همچنان جمهوری اسلامی در راستای پیشبرد سیاست‌های نهضتی خود در جهان اسلام در صورت امکان باید به اخوان برای به دست گرفتن قدرت و تشکیل دولت نه صرفاً به عنوان یک سیاست و یا تاکتیک، بلکه بیش‌تر با دیدگاهی رسالت محور با آن رفتار کند. این گروه بر این باور است که باید روابط با اخوان بازسازی و از کسب قدرت اخوان در کشورهای اسلامی حمایت بعمل آید. الگوی روابط مطلوب این رویکرد الگوی دولت-دولت با اخوان است.

مساله مهمی که در رویکرد آرمان‌گرایان قابل توجه است ارجحیت مصالح اسلامی در قیاس با منافع ملی است. آرمان‌گرایان ملهم از اصول اساسی انقلاب اسلامی که این گروه را نمایندگی می‌کنند معتقدند که به جای ملت‌اندیشی و ملی‌گرایی در قالب ارتباط با کشورهای منطقه می‌بایست با جنبش‌های اسلامی بالقوه و بالفعل کار کرد و سیاستی امت‌گرا به جای ملت‌گرایی و ارتدکسی را پیشنهاد می‌دهند که در نهایت طبق باور آن‌ها به پیروزی نهایی جمهوری اسلامی و جمهوری اسلامیزه شدن منطقه در قالب تشکیل و ایجاد جریان مقاومت اسلامی در مبارزه با صهیونیسم و استکبار جهانی در آینده منجر خواهد شد (موسسه مطالعات اندیشه سازان نور، ۱۳۹۶: ۸).

استدلال‌های حامیان این رویکرد:

طرفداران این رویکرد معتقدند چون روایت اخوانی از اسلام سیاسی اشتراکات زیادی با روایت شیعی دارد و این جنبش نزدیکترین و بهترین گزینه برای حمایت و تعامل با

جریانات اسلامگرا در جهان اهل سنت است (موسوی، ۱۳۹۱: ۱۳) لذا باید تلاشها برای بدست گرفتن قدرت و تشکیل نظام سیاسی توسط این جنبش معطوف شود. این گروه، مشترکات در عرصه سیاست خارجی بویژه دفاع از حقوق ملت فلسطین و ایستادگی در برابر رژیم صهیونیستی را یکی از نقاط وصل و همسویی اخوان و جمهوری اسلامی ایران می‌دانند. از نظر اخوان، سرزمین اسلامی سرزمینی واحد و تجزیه ناپذیر است و تجاوز به هر بخش از این سرزمین، در واقع، تجاوز به کل آن به شمار می‌آید. در این زمینه، تلاش‌های فراوان اخوان المسلمین به نفع فلسطینی‌ها در جهان عرب، به خوبی مشهود بود (Pargoo, 2017). علاوه بر این، بستر رشد دو جنبش اسلامی در ایران و مصر (فوزی، پایاب، ۱۳۹۰: ۷۲)، تمسک به اندیشه تشکیل حکومت اسلامی و نقش مردم در آن، قائل بودن به عدم جدایی دین از سیاست (سلطانی فرد، ۱۳۸۶: ۶)، تاکید بر اصل ایجاد وحدت اسلامی میان ملل مسلمان و پرهیز از گرایش‌های ملی‌گرایانه و درگیری‌های مذهبی - فرقه‌ای (خامه یار، ۱۳۹۶: ۴)، اشتراک نظر در چگونگی رابطه بین غرب و اسلام (امرای، ۱۳۸۳: ۱۳۶-۱۳۸) از نقاط وصل مهم و اشتراک جمهوری اسلامی و جنبش اخوان المسلمین است و بر اساس این اشتراکات بر استمرار حمایت از اخوان المسلمین تا تشکیل نظام سیاسی تاکید دارند.

حامیان این رویکرد بر این باورند که جمهوری اسلامی به عنوان حکومتی که خود را دارای یک پروژه جهانی می‌داند امکان اجرای این پروژه را با توجه به در اقلیت بودن در جهان اسلام ندارد، بنابراین نیازمند یک شریک راهبردی در جهان اهل سنت است. اخوان المسلمین به عنوان جریان میانه رو و ریشه دار در جهان سنی می‌تواند شریک راهبردی جمهوری اسلامی در پیشبرد پروژه جهانی خود باشد. طبق استدلال‌های طرفداران رابطه و به قدرت رسانیدن اخوان و همکاری با آنها، مرسی اشتباهاتی را هم داشته لکن شیب روابط به سود بهبود رابطه دوطرفه با ایران بوده است که با سقوط آنها وضعیت به گونه‌ای دیگر در آمد (امانی، ۱۳۹۶: ۱۹). طرفداران این رویکرد معتقدند با توجه به اتفاقاتی که در منطقه افتاده است و مواضع کشورهای اسلامی در کنار آمریکا و غرب به نظر می‌رسد که شرایط برای نزدیکی بیشتر اخوان با ایران فراهم شده است. مهم‌ترین دلیل آن ناامیدی اخوان از ارتباط با عربستان سعودی و تکیه به این کشور است و علی‌الخصوص این ناامیدی بعد از به هم خوردن روابط ریاض با دوحه و تحریم گسترده قطر توسط ائتلاف حامی عربستان افزایش یافته است. (موسسه مطالعات اندیشه سازان نور، ۱۳۹۶: ۸-۱۰) لذا جمهوری اسلامی

باید در هر زمینه‌ای رابطه‌اش را با اخوان به اقتضای شرایط اخوان تنظیم کند و این رابطه نباید متأثر از مسایل سیاسی زودگذر شود. حامیان این رویکرد در تلاش برای اتخاذ دیدگاهی ارگانیکی در رابطه با اخوان بر این باورند که بایستی با حل و فصل ایرادات و اصلاحات در دیدگاه‌ها و سیاست‌ها به منظور کمک به کسب قدرت توسط این گروه اقدام بعمل آورد (سیدافقهی، ۱۳۹۶: ۸).

۲-۲- رویکرد دوم: واقع‌گرایان منفعت‌محور

این رویکرد با تکیه بر نقاط افتراق اخوان المسلمین با جمهوری اسلامی و سیاست‌های ناهم‌سویی که اخوان بعد از به قدرت رسیدن با جمهوری اسلامی و سیاست‌های منطقه‌ای آن داشت، همچنین با اشاره به مصداقهای متعدد بر این باور هستند که جمهوری اسلامی باید در راهبرد حمایت خود از جنبش‌های اسلامگرا همچون اخوان تجدیدنظر کند. این رویکرد در توازن بین منافع ملی و مصالح اسلامی، بر اهمیت و وزن بیشتر منافع ملی تأکید دارند و بر این باور است که جمهوری اسلامی نباید تمام تخم مرغ‌های خود را در سبد اخوان قرار دهد بلکه با توجه به منافع ملی می‌توان با همه گروه‌ها و جریان‌ها و حتی دولت‌های سکولار و غیرمذهبی حاکم در کشورهای عربی تعامل داشت. به عنوان مثال مواضع چند سال اخیر مصر (سیسی) بسیار نزدیک تر به جبهه مقاومت است تا دوران حکومت اخوانی‌ها به رهبری مرسی در مصر. از آن جمله می‌توان مخالفت با هرگونه دخالت بین‌المللی در سوریه و تروریست خواندن مخالفان اسد نام برد. همچنین با اینکه دولت اخوانی و اسلامگرایی النهضه اولین اجلاس دوستان سوریه (معارضان) را در تونس تشکیل داد و روابط خود را با سوریه قطع نمود (Carnegie, 2012). اما دولت سکولار سیسی تلاش‌هایی برای برقرار مجدد رابطه با دولت بشار اسد انجام داد و تلاش نمود از فضای جنگ طایفه‌ای که در دولت النهضه دنبال می‌شد، دوری کند. حامیان این رویکرد با نقد رویکرد آرمانگرایان، بر این باورند که آنها بدون در نظر گرفتن واقعیات و واقعیت‌ها و واکاوی رفتارهای گذشته اخوان المسلمین سنی با جمهوری اسلامی شیعه، دلایل چندانی برای اثبات مدعای خود ندارند لکن آرمان‌گرایانه درصدد به کارگیری و گفتمان‌سازی برای برقراری پیوند با اخوان المسلمین و گروه‌های اسلام‌گرا هستند.

استدلال‌های حامیان این رویکرد:

این گروه در توجیه رویکرد خود، بر این باورند که تفاوت در ساختمان اندیشه‌ای اخوان سنی و تشیع حسینی یکی از افتراقات بنیادی بین اخوان و جمهوری اسلامی ایران

است. اخوان در باب حکومت و ویژگی‌های آن آرمان‌گرا و ایده‌آل‌اندیش و در باب حاکم واقعیت‌گرا و واقع‌بین‌اند (مسجد جامعی، ۱۳۸۵: ۱۸۱). دکتر احمد محمود صبحی می‌گوید: «موضع اهل سنت (در قبال نظام‌های حاکم) بیشتر به تسلیم در برابر واقعیت موجود بدون تأیید یا قیام علیه آن نزدیک است (صبحی، ۱۹۹۱: ۲۳). مسلماً این تفاوت‌های باریک و در عین حال تعیین‌کننده و مهم، دو بستر اجتماعی و فرهنگی مختلف برای تحولات سیاسی و اجتماعی به وجود خواهد آورد. تفاوت در بحث خلافت و امامت نیز از افتراقات دیگر بین اخوان و نظام ولایت فقیه در جمهوری اسلامی است. (مظفر، ۱۳۸۰: ۸۳). این رویکرد موضع‌گیری اخوان در قبال غرب را فاقد وسعت و عمق بینش نسبت به سرمایه‌داری و اهداف راهبردی آن می‌داند و این بر خلاف تفکر جمهوری اسلامی است که منشأ گرفتاری‌های جهان اسلام را، غرب استعماری به خصوص سمبل آن، امریکا می‌داند (امام خمینی، ۱۳۵۷: ۱۴۱).

بر اساس استدلال‌های این رویکرد، باید بین اخوان موجود در مصر با اخوان دوران حسن‌البناء تفاوت قایل شد، چراکه سیاست‌های اخوان امروز با اخوان گذشته به میزان زیادی تغییر کرده است، جنبش اخوان المسلمین بعد از به قدرت رسیدن با موضع‌گیری خود در برخی از مسائل از جمله برخورد با شیعیان، بر اصل ایجاد وحدت اسلامی خدشه وارد نمود که این را باید در راستای ایجاد تغییر در ایدئولوژی اولیه جنبش اخوان المسلمین تعریف کرد. اخوان المسلمین جدید تا اندازه‌ای از اخوان المسلمین قدیم که متحد ایران بودند فاصله گرفته است و آنها تلاش می‌کنند تا در عرصه بین‌المللی طرحی نو با ایدئولوژی خاص خودشان ایجاد کنند. امروزه اخوانی‌ها هدفشان صرفاً رسیدن به قدرت است و برای این کار ابایی ندارند که از متحد سابق همیشگی شان یعنی ایران هم فاصله بگیرند (دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۱). اخوانی‌ها گروهی فرصت‌طلب و به دنبال منافع خودشان هستند و از کاربرد روش‌های ماکیاولیستی ابایی ندارند.

حامیان این رویکرد اخوان المسلمین را رقیب ایدئولوژیک جمهوری اسلامی و اندیشه تشیع می‌دانند و لذا حمایت از آن را مخالف منافع ملی ارزیابی می‌کنند. از اصلی‌ترین دلایل مشترک جوامع عربی برای اتخاذ مواضع خصمانه علیه ایران، ریشه‌های تاریخی تقابل ایرانی-عربی است که با حضور اخوان در قدرت، تقابل مذهبی شیعی-سنی هم به آن افزوده خواهد شد (غلامی، ۱۳۹۱). این رویکرد بر این باور است، به رغم حمایت‌هایی که جمهوری اسلامی از اخوان طی دهه‌های گذشته داشته است، اما پیروزی اخوان در مصر و

حضور آنها در قدرت نه تنها به همگرایی بیشتر آنها با جمهوری اسلامی منجر نشد بلکه مواضع متضادی نسبت به جمهوری اسلامی و سیاست‌های منطقه‌ای آن اتخاذ کردند. به عبارت دیگر اخوان در حاکمیت، با سیاست‌های اتخاذی خود، به عنوان رقیب منطقه‌ای ایران ظاهر شد. گسترش روابط با عربستان سعودی، گسترش روابط با امریکا، مخالفت جدی با سیاست‌های منطقه‌ای ایران در سوریه و یمن، تعاملات با سلفی‌های افراطی، شیعه هراسی و رفتارهای خارج از عرف با جمهوری اسلامی از جمله مواضع و رفتارهای تنش زای سران اخوان علیه جمهوری اسلامی و منافع آن بود (پرنروش، ۱۳۹۶: ۴۷).

اخوان المسلمین، با توجه به نزدیکی بسیار با ترکیه و قطر، تلاش‌هایی برای ایجاد زنجیره‌ای از کشورهای اخوانی در منطقه و به قدرت رسیدن اخوانی‌ها به منظور تغییر ژئوپلیتیک منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا صورت داد که البته با توجه به سقوط اخوان ادامه نیافت. این در حالی است که شاید عدم شکست اخوان و حل مساله سوریه می‌توانست به پروژه‌ای برای ترکیه اخوانی تحت رهبری اردوغان برای پیاده سازی آرزوی دیرینه بازگرداندن جغرافیای سیاسی امپراتوری عثمانی و نو-عثمانی‌گری تبدیل شود و عملاً مساله شیعه و سنی را این بار در شکلی جدید و با احیای نسخه خلافت که مطلوب جهان اهل سنت و در مقابل نسخه اسلام ولایی شیعی است، پیچیده تر می‌ساخت (میرزایی(الف)، ۱۳۹۶: ۴).

حامیان این رویکرد بر این باورند حتی با فرض وجود زمینه‌های تعامل و اشتراک بین اخوان و جمهوری اسلامی، اگر احتمالاً اخوان بتواند در آینده قدرت سیاسی را در مصر و برخی دیگر از کشورهای منطقه بدست گیرند، دشمنان منطقه‌ای و بین المللی جمهوری اسلامی اجازه تعامل و شراکت اخوان را با ایران نخواهند داد (غلامی، ۱۳۹۱). آنها تلاش خواهند کرد تا اخوانی‌ها را که از ابتدای انقلاب اسلامی ایران با تهران روابط تنگاتنگی داشته اند، از آن جدا کنند و آنها را به رقیبی برای جمهوری اسلامی ایران تبدیل کنند (خاشقچی، ۱۳۹۱) همانطور که بعد از قدرت گرفتن اخوان در مصر و تونس، فشارهای منطقه‌ای و بین المللی باعث دور شدن اخوان از ایران شد.

در مجموع این رویکرد بر این تاکید دارد که اسلام گرایی موجود در کشورهای دنیای عرب دارای ماهیتی متفاوت با اسلام گرایی حاکم در ایران می‌باشد و از این رو اسلام گرایی به عنوان یک وجه مشترک برای تعامل و دوستی میان ایران و اخوان بسیار ناکافی می‌باشد. زیرا روابط دو طرف از متغیرها و مؤلفه‌های دیگری نیز تأثیر می‌پذیرد (صفوی،

۱۳۹۲). برخی از حامیان این رویکرد در پیشنهادات خود، معتقدند جمهوری اسلامی علاوه بر محوریت تعامل با دولت‌های سکولار، می‌تواند با احزاب لیبرال‌ها همگرایی داشته باشد. احزاب و نیروهای لیبرال به خاطر گرفتار نبودن در چنبره دگماتیسم مذهبی و دارا بودن گرایش پراگماتیستی بهتر می‌توانند با ایران همکاری کنند.

۲-۳- رویکرد سوم: تلفیق منافع ملی با مصالح اسلامی

این رویکرد، ضمن توجه به استدلال‌های هر دو رویکرد فوق، راهی میانه که منطبق با شرایط و تحولات سال‌های اخیر منطقه می‌باشد را ارائه می‌دهد. مهم‌ترین تفاوت این رویکرد با رویکردهای فوق در این است که تلاش می‌کند ضمن تأکید بر مصالح اسلامی، در قالب هزینه-فایده عقلانی منافع ملی را نیز در تعامل با جنبش‌های اسلامگرا در جهان اهل سنت در نظر گیرد. این رویکرد با نگاهی عمیق به جریان‌های اسلامی موجود در جهان اهل سنت و با در نظر گرفتن جوانب تعامل با هر یک از جریان‌های اسلامگرا، تلاش می‌کند ابتدا اهمیت تعامل با جریان اسلام سیاسی و اخوان المسلمین به عنوان مهم‌ترین و منسجم‌ترین نماینده این جریان را بازشناساند. همچنین در بیان اهمیت اسلام سیاسی با نمایندگی اخوان المسلمین، بر این باور است که اخوان با تأکید توأمان بر شرع و عقل می‌تواند بر بحران هویت در جهان اسلام فائق آیند و با حفظ اصول و هویت اسلامی، توجه و حمایت توده‌های مسلمان را نسبت به خود جلب کنند. از سوی دیگر، این جریان به دلیل تأکید بر اجتهاد منطبق با شرایط زمان و مکان، از قابلیت انعطاف‌پذیری و واقع‌گرایی بالایی برخوردار است و توانایی ارائه الگوئی دینی و مدرن برای پیشرفت جوامع را دارا می‌باشد و با مکانیسم‌های فقهی خود، کاررایی نظام‌های سیاسی اسلامی را در مواجهه با بحران‌ها افزایش می‌دهد. این جریان، همچنین در عرصه بین‌المللی، به دلیل برخورد گزینشی با تمدن معاصر و به رسمیت شناختن وجهی از آن، تلاش می‌کند به تعامل با ابعاد مثبت تمدنی دیگر جوامع پرداخته و از تعامل و گفتگو مبتنی بر منطق دفاع کند و از این‌رو، از قابلیت مناسبی برای خنثی کردن تهدیدات خارجی مستوجه جهان اسلام برخوردار است. این امر می‌تواند به تقویت امنیت در جهان اسلام، در ابعاد داخلی و خارجی، کمک شایانی نماید (فوزی، ۱۳۸۹: ۱۶۹).

اخوان المسلمین جریان اعتدال اسلامی است. این جریان مذهبی است اما سلفی صرف نیست. دموکراتیک است اما سکولار نیست. این جنبش در حال حاضر در پرکردن شکافهای

عمیقی که هنوز بین سلفیه افراطی و صوفیه فاصله می‌اندازد، بیشترین توانایی را دارد(الاهرام الیومی، ۱۳۹۲).

بنابراین اخوان المسلمین با همه انتقاداتی که به آن وارد است، یکی از هم‌سوترین جریان‌های اسلام‌گرا در میان اهل تسنن با انقلاب اسلامی ایران است. این هم‌سویی البته طبیعتاً به معنای تطبیق جزء به جزء با مواضع خرد انقلاب اسلامی نیست اما در مسائل کلان، یک تطبیق قابل توجه میان این دو وجود دارد هر چند در عرصه عمل، برخی موارد و اختلاف‌نظرها دیده شود. بنابراین این رویکرد لزوم تعامل و حمایت از اخوان در آینده را پیشنهاد می‌کند. البته این به معنی این نیست که با سکولارها و لیبرال‌ها تعامل نشود.

در عین حال این رویکرد به رغم تأکید بر ضرورت تعامل با اخوان، با ارایه ادله خود و با عطف به تاریخ و واقعیت‌های موجود در صحنه، استدلال می‌کند که بدترین رابطه جمهوری اسلامی با اخوان در شکل دولت-دولت بوده است. در همین راستا است که اخوان با به دست آوردن دولت و مشخص شدن الگوی حکومتی خود، برخوردهای خشنی را با ایران در پیش گرفت. این دیدگاه به طور کلی رسیدن اخوان به قدرت و تبدیل رابطه دولت-نهضت کنونی و پیشین به دولت-دولت را مطلوب نمی‌داند و بر این مدعا است که با توجه به اختلافات جدی ایران و اخوان در پرونده‌های منطقه‌ای امکان رویارویی طرفین در پرونده‌های اختلافی وجود دارد(پرندوش، ۱۳۹۶: ۸۱). از سوی دیگر، اخوان المسلمین به عنوان جریانی ریشه دار و دارای ایدئولوژی، نسخه رقیب مدل اسلام سیاسی شیعی است که رهبری آن را ایران بر عهده دارد و لذا رسیدن به قدرت رقابت دو طرف برای رهبری جهان اسلام را زنده کرده و امکان ائتلاف ضد شیعی - ضد ایرانی را فراهم می‌آورد. این مساله احتمال تغییر ژئوپلیتیک منطقه و تشکیل کمربند اخوانی با محوریت ترکیه، قطر و مصر و تلاش در جهت گسترش آن به سوریه و سایر نقاط را در صورت موفقیت در استمرار قدرت به همراه خواهد داشت.

۳- راهبرد آینده جمهوری اسلامی در تعامل با اخوان المسلمین(امتناع دولت، استمرار نهضت)

با توجه به رویکردهای موجود در خصوص آینده تعاملات با اخوان المسلمین، به نظر می‌رسد رویکرد سوم رویگری مناسب و برآمده از واقعیات و تحولات میدانی و منطقه‌ای سال‌های اخیر باشد. با توجه به این مساله مقاله حاضر نیز با در نظر گرفتن ملاحظات رفتاری اخوان المسلمین در قدرت و واکاوی سطوح مختلف روابط با اخوان طی چند دهه روابط با